

شایعه‌های جنگ: پاسخ به رفتار نامطلوب ایران در خلیج فارس

به قلم مایکل آیزنستات (/fa/experts/maykl-ayznstat-0/), فرزین ندیمی (/fa/experts/frzyn-ndymy/)

۱۷ مه ۲۰۱۹

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/rumors-war-responding-iranian-pushback-gulf
العربية (/ar/policy-analysis/shayat-hwl-alhrb-alrd-ly-aldght-alayrany-fy-alkhlyj/))

درباره نویسنده



مایکل آیزنستات (/fa/experts/maykl-ayznstat-0/)

مایکل آیزنستات هموند دیوید کان و داگلاس کان و مدیر برنامه مطالعات امنیتی و نظامی انستیتو واشنگتن است



فرزین ندیمی (/fa/experts/frzyn-ndymy/)

او پیش از این برای موسسه واشنگتن در باره استراتژی تهران در باره استفاده از جنگ افزارهای دریایی ایران در جنگ نامتقارن نوشته است



تحلیل کوتاه

واشنگتن باید تنش‌ها را کاهش دهد خطوط تماس را باز نگه دارد و بازدارندگی را احیا کند گرچه مدیریت تضاد میان این اهداف چالش‌برانگیز خواهد بود

در ۱۲ ماه می چهار کشتی - دو نفتکش بزرگ نفت خام سعودی و دو نفتکش کوچکتر اماراتی و نروژی- در عملیاتی که مقامات بین‌المللی آنها را خرابکاری دانستند آسیب دیدند. مقامات آمریکایی آن عملیات را به ایران یا گروه‌های نیابتی آن نسبت داده‌اند. گرچه در این خرابکاری‌ها چه‌بسا از ابزارهای انفجاری استفاده شده هیچ کشته‌ای یا نشستی نفت گزارش نشده است.

این حملات از قرار به‌خوبی برنامه‌ریزی و اجرا شده چون کشتی‌ها پنج تا دوازده کیلومتر از یکدیگر در مناطق ساحلی فجیره امارات فاصله داشتند. اگر ایران واقعا در این ماجرا درگیر بوده باشد این عملیات می‌تواند کار نیروی دریایی ارتش یا نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشد. هر دو نیرو قادر به انجام چنین حملاتی هستند گرچه فجیره خارج از خلیج فارس است و بنابراین در منطقه مسئولیت نیروی دریایی ارتش قرار می‌گیرد.

دو روز پس از حملات به کشتی‌ها چند پهپاد به ایستگاه‌های پمپاژ نفت شرکت آرامکوی سعودی در عقیف و الدوادمی در امتداد خط لوله نفت شرق به غرب که از مرکز عربستان عبور می‌کند حمله کردند و باعث آتش‌سوزی در یکی از آنها شدند. شورشیان حوثی یعنی تحت حمایت ایران اعتبار این حمله را به خود اختصاص دادند طبق گزارش‌ها این اولین عملیات آنها علیه این خط لوله بوده است.

تمام این حوادث درست چند روز پس از آن رخ داد که دولت آمریکا در مورد حملات احتمالی ایران یا یکی از گروه‌های نیابتی‌اش هشدار

دادن در این هشدارها اهداف احتمالی شامل پرسنل نظامی آمریکا در عراق و سوریه و کشتیرانی نظامی/تجاری در منطقه ذکر شده بود. منطق استراتژیک حملات (که ذیلاً خواهد آمد) یک دلیل از چندین دلیل برای باور به نقش ایران در این رخدادهاست. چنانکه این واقعیت هم به نقش ایران اشاره دارد که شبکه المیادین در لبنان که طرفدار حزب الله است نخستین شبکه تلویزیونی بود که وقایع فجیره را گزارش داد.

در ۱۵ می وزارت امور خارجه آمریکا دستور داد که کارمندان غیرضروری از سفارت آمریکا در بغداد و نیز از کنسولگری در اربیل عزیمت کنند. از قرار این دستور در پاسخ به تهدیدات علیه کارکنان آمریکایی از سوی گروه‌های نیابتی ایران در عراق صادر شد. اندکی پس از آن آلمان و هلند به طور موقت برنامه‌های آموزش نظامی خود را در عراق به حال تعلیق درآوردند. این تحولات ممکن است نشانگر این باشد که ایران قصد دارد حملات بعدی را انجام دهد. خواه برای بازداشتن و اشنگتن از پاسخ به حملات اولیه و خواه برای مقابله با حرکت‌های متصور ایالات متحده در تشدید تنش (مثل استقرار اخیر یک ناوگروه رزمی در خلیج عمان). اگرچه رئیس‌جمهور ترامپ و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اظهار داشته‌اند که جنگ در برنامه آنها نیست اما اقدامات نیروهای حاضر در منطقه اگر با دقت مدیریت نشود می‌تواند به چنین نتیجه‌ای بینجامد.

منطق استراتژیک ایران

یکی از نشانه‌های حضور احتمالی ایران پشت این حملات آن است که به نظر می‌رسد این حملات از یک منطق استراتژیک متمرکز بر تنگه هرمز برخوردارند. فجیره پایانه یک خط لوله انتقال نفت از مبدأ ابوظهبی است که به امارات متحده عربی و کشورهای شریک آن اجازه می‌دهد با دوری از تنگه باریک و مخاطره‌انگیز هرمز روزانه ۱۰۵ میلیون بشکه نفت صادر کنند. ایران بارها از این پروژه انتقاد کرده است و آن را تلاشی بیهوده برای بلااستفاده کردن این تنگه توصیف می‌کند. خط لوله نفت شرق به غرب در عربستان سعودی هم ظرفیت انتقال روزانه ۵ میلیون بشکه از میدان‌های نفتی شرقی را به پایانه‌های صادراتی دریای سرخ داراست و به شیوه مشابهی از تنگه هرمز دوری می‌کند (هرچند که عملاً کمتر از نیمی از ظرفیت روزانه آن استفاده می‌شود). ممکن است رهبران ایران در پی ارسال این پیام بوده باشند که در یک شرایط بحرانی یا جنگ آنها می‌توانند صادرات نفت را نه تنها از طریق تنگه (چیزی که مدتهاست ادعا می‌کنند) بلکه از طریق مسیرهای جایگزین آن هم مختل کنند.

با این کار آنها به احتمال زیاد به اعلام تصمیم دولت ترامپ در ۲۲ آوریل واکنش نشان داده‌اند که بر مبنای آن اعطای معافیت تحریم خرید نفت ایران متوقف می‌شود. هدف این تصمیم به صفر رساندن صادرات نفت رژیم به عنوان بخشی از کارزار «فشار حداکثری» رئیس‌جمهور آمریکا است. از زمان جنگ ایران و عراق حکومت ایران هشدار داده است که اگر نتواند از طریق آب‌های خلیج فارس نفت صادر کند هیچ کس دیگر هم نخواهد توانست. علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سپاه این تهدید را در ۲۲ آوریل تکرار کرد: «اگر از استفاده از آن [تنگه هرمز] منع شویم آن را خواهیم بست.» حملات این نکته را تقویت کردند.

در پاسخ واشنگتن ایران را به انجام این تحرکات متهم کرد. امری که نشان از نوعی حمله قریب‌الوقوع آمریکا می‌داد. سپس دولت آمریکا در ۶ ماه می اعلام کرد که ناوگروه رزمی یو اس اس آبراهام لینکلن و چهار بمب افکن ب-۵۲چ در منطقه مستقر می‌شوند. در همین حال جان بولتون مشاور امنیت ملی هشدار داد که «هرگونه حمله به منافع ایالات متحده یا به متحدان ما با قدرت نظامی بی‌امان مواجه خواهد شد».

اما سوال اصلی به توانایی‌های نظامی ایالات متحده در منطقه مربوط نمی‌شود بلکه به اعتبار ایالات متحده مربوط است. اگر ایران در پشت حملات به کشتی‌ها و خط لوله قرار دارد به روشنی هم آمادگی خود را برای سرکشی از هشدار بولتون و هم توانایی خود را در ایجاد اختلال در تجارت نفت منطقه نشان داده است. اگرچه انتقال محموله‌های نفت بدون محدودیت ادامه داشته قیمت‌ها و حق بیمه‌ها به سرعت افزایش یافته و حملات بیشتر می‌تواند موج‌های بزرگتری ایجاد کند. علاوه بر این حملات مذکور با اجتناب از تلفات انسانی و هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری متعلق به متحدان منطقه‌ای ایالات متحده و یک کشور کوچک‌تر اروپایی پتانسیل افزایش تنش با ایالات متحده را محدود ساخته است. به طور خلاصه ظاهراً ایران امیدوار بوده که اعتبار واشنگتن را تضعیف کند آزادی عمل‌اش را محک بزند و با این ملاحظات حداقل در شرایط حاضر از جنگ پرهیز کند.

چگونه کار به اینجا کشید

با فرض اینکه ادعاهای دولت ترامپ در مورد تهدیدهای ایران با اطلاعات تجسسی معتبر و شواهد انکارناپذیر تایید می‌شود وقایع هفته گذشته چندین مشکل احتمالی در رویکرد فعلی ایالات متحده را برجسته کرده است:

ناکامی در باززندگی. این حملات ظاهرا نشان می‌دهند که هشدارها و استقرار نیرو همیشه برای بازداشتن حکومت ایران یا شرکای آن از عبور از خطوط قرمز صریح یا ضمنی واشنگتن کافی نیست. بخشی از دلایل این شکاف این است که دولت آمریکا از خط قرمزهای ایران عبور کرده است - بدین معنا که هدف اعلام‌شده ایالات متحده برای به صفر رساندن صادرات نفت - تهدیدی برای تخریب هر چه بیشتر بنیادهای اقتصاد ایران و تشدید ناآرامی‌های داخلی بوده است. حال به نظر می‌رسد تهران آماده است که اگر آمریکا واکنش نظامی نشان دهد یا سعی کند از عملیات آینده ایران به صورت پیشدستانه جلوگیری کند - بیش از پیش به تشدید تنش‌ها دست بزند.

محاسبه نادرست ریسک و دستاورد. شرط احتیاط این است که واشنگتن از عبور از خط قرمزهای طرف مقابل پرهیز کند - مگر آن که منافع حیاتی ایالات متحده غیر از آن را اقتضا کند. در حالت دوم ایالات متحده باید برای پاسخ قدرتمندانه آماده باشد. دولت آمریکا با تلاش برای قطع کامل صادرات نفت ایران ریسک خود را برای رسیدن به دستاوردهایی نامطمئن به میزان زیادی افزایش داده است.

از کف دادن اعتبار. دولت آمریکا دارای مشکل دوگانه اعتبار است. اول این تمایل رئیس‌جمهور که مکرر هم بیان شده برای پرهیز از جنگ‌های بیشتر در خاورمیانه و بیرون کشیدن نیروهای آمریکایی از منطقه ممکن است ایران را وسوسه کند تا وی را بیازماید. دوم بسیاری از آمریکایی‌ها و متحدان ایالات متحده دولت را در بحران فعلی به دلیل خروج سال گذشته از توافق هسته‌ای مقصر می‌دانند. آنها اکنون نسبت به ادعاهای دولت درباره ایران تردید دارند و معتقدند که مقامات می‌خواهند جنگ راه بیندازند. این برداشتها مانع از پاسخ مؤثر ایالات متحده به بحران خواهد شد.

تمایل ایران به قمار. به نظر می‌رسد حکومت ایران و شرکای آن مایل اند ریسک عبور از خط قرمزهای آمریکا را به جان بخرند اما می‌خواهند این کار را با لحاظ احتیاطی انجام دهند که مانع از درگیری گسترده مسلحانه شود. چون نمی‌توانند به پیروزی نظامی در آن امید داشته باشند. همانطور که اشاره شد آنها از زدن اهداف مرتبط با ایالات متحده خودداری کردند و ظاهرا حملات را به گونه‌ای طراحی کردند که آسیب و تنش‌زایی بالقوه را محدود کند. هدف از این رویکرد محتاطانه می‌تواند فشار آوردن بر ایالات متحده برای عقب‌نشینی از تلاش‌های خود جهت به صفر رساندن صادرات نفت ایران باشد.

توصیه‌های سیاست‌گذاری

با توجه به این مشکلات دولت آمریکا باید در ضمن پیشبرد منافع حیاتی ایالات متحده اقدامات لازم را برای کاهش احتمال تنش در پیش گیرد:

آرام ساختن منتقدان. برای قانع‌سازی منتقدان داخلی و خارجی که نسبت به ادعاها و اهداف واشنگتن در مورد ایران تردید دارند باید دولت تا حدی که می‌تواند اطلاعات تجسسی مربوط به تهدید کارکنان دولت ایالات متحده - نفت خلیج فارس و آزادی دریانوردی را فاش کند. این کار شامل انتشار شواهد عینی مربوط به حملات به نفتکش‌ها در فجیره خواهد بود تا سازمان‌های غیردولتی معتبر بتوانند به طور مستقل آنها را ارزیابی کنند. اگرچه شفافیت بیشتر به احتمال زیاد نظر کسانی را که اساسا نسبت به دولت بی‌اعتماد هستند تغییر نخواهد داد - ممکن است به افزایش حمایت از تلاش برای محکوم کردن تهدیدهای ایران نسبت به آزادی دریانوردی در خلیج فارس کمک کند.

گشودن راه‌های تماس کاستن از تنش‌ها. واشنگتن باید تلاش کند تا خطوط ارتباطی با تهران را باز کند تا احتمال محاسبه اشتباه را کاهش دهد و چه‌بسا به شروع مذاکرات کمک رساند (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/khameneis-breaking-point-how-to-get-iran-back-to-the-negotiating-table>) در همین حال دولت باید بی‌سروصدا ورود مرحله‌ای به آخرین تحریم‌های انرژی خود را کند سازد (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/renewing-the-iran-sanctions-waivers-part-2-energy-and-afghan-trade>) مثل اجازه دادن به عراق برای ادامه واردات برق و گاز ایران تا در تابستان داغ نیرو تولید کند و نیز صدور اجازه به شرکت‌های خارجی برای واردات نفت ایران جهت بازپرداخت بدهی‌ها.

مقاوم‌سازی و محافظت. اگرچه این حملات صدمات اندکی به صادرات انرژی از خلیج فارس وارد کرد اما آسیب‌پذیری زیرساخت‌های مهم نفتی منطقه و خطوط ارتباط دریایی را آشکار ساخت. برای مقاوم‌سازی بیشتر این زیرساخت‌ها و محافظت از خطوط دریایی گام‌های بسیاری می‌توان برداشت اما هیچ راهی برای حفاظت از تکتک تاسیسات و شناورهای آسیب‌پذیر وجود ندارد. در نهایت احیای بازدارندگی مهم‌ترین کاری است که ایالات متحده می‌تواند برای تقویت چنین محافظتی انجام دهد.

احیای بازدارندگی از طریق انضباط در پیام‌دهی. واشنگتن باید از اقداماتی که بارها مانع از موضع بازدارندگی آن در قبال ایران شده خودداری کند. یکی از این موارد آن است که مقامات ایالات متحده باید از ارسال پیام‌های متغیر راجع به اهداف آمریکا در منطقه خودداری کنند. آنها همچنین باید در هنگام انتقال تهدیدهای بازدارنده از زبان غیردقیق (مثل این پیام تکراری که «به ایران اخطار داده شده است») و لفاظی گزافه‌گویانه (مثل «نیروی نظامی بی‌امان») اجتناب کنند. به‌ویژه اگر چنین حرف‌هایی با تعهد به عمل پشتیبانی نشود. علاوه بر این همانطور که دولت‌های قبلی این نکته را از پیمودن مسیری دشوار آموخته‌اند واشنگتن نباید خطوط قرمز روشنی را مطرح کند مگر آن که مایل به اعمال آنها باشد. به همین ترتیب آمریکا نباید از خط قرمزهای ایران عبور کند مگر اینکه منافع حیاتی در معرض خطر باشد یا آمادگی مقابله با پاسخ قدرتمندانه ایران را داشته باشد.

با اینهمه موقعیت بازدارندگی آمریکا پیشاپیش تضعیف شده است و دولت برای بازگرداندن اعتبار خود نیازمند واکنش عملی در برابر حملات خلیج فارس است. بنابراین باید پرهیز از اقداماتی را در دستور قرار دهد که می‌تواند آمریکا را به درگیری عمیق‌تری با ایران بکشاند. اعضای کنگره را به مخالفت برانگیزد و کشورهای متحد را بیش از این [از آمریکا] دور سازد.

در نظر داشتن اقدام پنهانی. یک راه برای تطبیق با دایره «بازدارندگی اما نه واکنش بیش از حد» در نظر گرفتن اقدامات کم‌سروصدا و قابل انکاری است که هزینه‌های مادی قابل توجهی بر ایران تحمیل می‌کند و از این طریق تلاش رژیم را برای اندازه‌گیری خطرات و هزینه‌ها در آینده پیچیده می‌سازد. حکومت ایران باید درک کند که هر دو طرف می‌توانند بازی «انکار قابل باور» را انجام دهند. با این حال اقدامات پنهانی همانند بازدارندگی آشکار می‌توانند با تلاش‌های موازی ایالات متحده برای کاهش تنش‌ها و بازکردن خطوط ارتباطی اصطکاک پیدا کنند. مدیریت این تضادها به احتمال زیاد بزرگترین چالش سیاست‌گذاری پیش روی دولت امریکا خواهد بود.

بسط نمایش قدرت آمریکا. دولت آمریکا چندین حرکت نظامی قابل توجه تا اینجا انجام داده است: علاوه بر استقرار یک ناوگروه رزمی در منطقه و ارسال چهار فروند ب-۵۲ به پایگاه هوایی الغدید قطر تعداد بیشتری از جنگنده‌های اف-۱۵ سی به پایگاه هوایی الظفره در امارات متحده عربی انتقال داده (افزودن بر هواپیماهای اف-۱۵ سی و اف-۳۵ که در آنجا وجود دارد) استقرار آتشبار ضد موشکی پاتریوت را اعلام کرده و همچنین برنامه‌هایی در نظر گرفته است تا کشتی حمل‌ونقل آبی-خاکی یو.اس.اس آرلینگتون جایگزین بخشی از گروه آماده آبی-خاکی یو.اس.اس کی.یرسارژ شود که در حال حاضر در منطقه است. اگر واشنگتن بخواهد در صورت تشدید بیشتر تنش توسط ایران این پیام را انتقال دهد که گزینه‌های عملی در اختیار دارد شاید اعزام نیرو و ادوات بیشتری لازم باشد. مثلاً اعزام دومین ناوگروه رزمی و/یا بمب‌افکن‌های بیشتر. اما همانطور که تأکید شد استقرار این نیروها اثر بازدارنده مطلوب به همراه نخواهد داشت مگر اینکه ایالات متحده اعتبار آسیب‌دیده خود را نیز ترمیم کند.

تعیین اولویت بحران‌ها. بحران‌های خارجی حتی برای آماده‌ترین دولت‌ها چالش برانگیز است و تیم رئیس‌جمهور ترامپ به طور همزمان درگیر تنش‌هایی با ایران، چین، کره شمالی و ونزوئلا است. قدرت ذهنی و ظرفیت فیزیکی موجود برای مقابله با چنین موقعیت‌هایی محدود است و پخش کردن منابع نظامی آمریکا و توجه تصمیم‌گیرندگان ارشد آن به مسائل متعدد در سراسر جهان خطر یک فاجعه را در یک یا چند نقطه در بر دارد. از آنجا که ایالات متحده در بحران کنونی با ایران درگیر است باید در عرصه‌های دیگر تنش‌ها را کاهش دهد.

**مایکل آیزنستات هموند کان و مدیر برنامه مطالعات امنیتی و نظامی در انستیتو واشنگتن است.
فرزین ندیمی هموندیار انستیتو واشنگتن و کارشناس امور امنیتی و دفاعی ایران و منطقه خلیج است.



RECOMMENDED



تحلیل کوتاه

تامین گاز اروپا و دیدار امیر قطر از کاخ سفید

۱۴ فوریه ۲۰۲۲

سایمون هندرسون

(/policy-analysis/tamyn-gaz-arwpa-w-dydar-amyr-qtr-az-kakh-sfyd/)



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

۱۱ فوریه ۲۰۲۲

Farzin Nadimi

(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

۱۱ فوریه ۲۰۲۲

Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)

TOPICS

(/policy-analysis/anrzhly-w-aqtsad/) انرژی و اقتصاد

(/policy-analysis/khlyj-w-syast-hwzh-anrzhly/) خلیج و سیاست حوزه انرژی

(/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/) نظامی و امنیتی

REGIONS & COUNTRIES

(/policy-analysis/kshwrhay-hashykhlyj-fars/) کشورهای حاشیه خلیج فارس

(/policy-analysis/ayran/) ایران

